



Shiraz University
RICeST
ISC

ISSN: 2008-7926

Journal of

Legal Studies

Scientific

Vol. 18, Issue 1, Spring 2026

JLS

Journal of Legal Studies

Journal Homepage: <https://jls.shirazu.ac.ir/>
doi: <https://10.22099/JLS.2025.53896.5364>



Research Article

A Criminological Reading of the Third Principle of the Constitution (Community-Oriented Crime Prevention Strategies)

Mohsen Sharifi*

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran

Article history:

Received: 05-08-2025

Accepted: 25-10-2025

Abstract

Introduction

Crime prevention as a criminal policy strategy is realized through the application of penal and non-penal measures. The first approach brings its objective to fruition through penal prohibitions of behaviors contrary to public order and the establishment of appropriate punishments for them. The second approach, however, with a criminological and scientific view of this phenomenon, seeks to control it through the application of non-coercive actions. Among the forms of crime prevention in the second sense is community-oriented prevention, which, outside the penal system, with a etiological and antecedent approach, seeks to eliminate or reduce criminogenic environmental factors by relying on cultural, social, and economic actions. Thus, the aforementioned prevention, based on the assumption that diverse environmental factors are effective in regulating individuals' behavioral systems, puts on its agenda mechanisms such as organizing foundations like the economy, housing, education, and physical training in order to prevent their tendency to violate social norms.

Please cite this article as:

Sharifi, M (2026). A Criminological Reading of the Third Principle of the Constitution (Community-Oriented Crime Prevention Strategies). *Journal of Legal Studies*, 18(1), 643-682. <https://doi:10.22099/JLS.2025.53896.5364>

* Corresponding author:

E-mail address: mohsen.sharifi@shirazu.ac.ir

Methods

In this research, using a descriptive-analytical method and utilizing library resources, answers are given to the following questions: Given the importance of social crime prevention in its community-oriented form, to what extent has this dimension of criminal policy and its accompanying strategies been reflected in the Constitution as a supra-legislative regulation and attained a supreme aspect? Various principles of the Constitution have attended to the issue of crime prevention and the means of achieving it. However, the focus of this writing is the Third Principle of this document; because, despite containing societal strategies for crime prevention, it has not been deeply addressed in other conducted research.

Findings

Investigations indicate that the importance of crime prevention as a normative approach in criminal policy has led to this matter being manifested not only within legislative and infra-legislative regulations but also at the level of a superior and guiding regulation such as the Constitution. Therefore, by attending to the types of crime prevention, including social prevention, in various principles of this upstream document, such as the Third Principle—the subject of this writing—the essential foundations for it have been created, and by providing mechanisms, a fundamental aspect has been given to it. The intrinsic and identity aspect of the aforementioned prevention attends to the content of scientific and studied solutions such as establishing a poverty-eradicating, job-creating economy, providing welfare and basic necessities of life, strengthening education, universalizing higher education, enhancing the scope of public awareness by properly utilizing the capacity of the press and mass media, strengthening the political participation of various strata, free physical training, organizing the leisure time of citizens, especially children and adolescents. The formal aspect of this doctrine attends to the realm of management and the manner of its implementation by cross-sectoral institutions such as governmental, public, and non-governmental organizations across the country. The first version of the Bill on the Prevention of the Occurrence of Crime of 2006 (1385 AH), in a relatively comprehensive definition, introduced this type of prevention as "including the set of educational, cultural, economic, and social measures and methods of the government, non-governmental institutions and organizations, and people's organizations regarding the sanitization of the social environment and physical environment for the elimination or reduction of social factors of the occurrence of crime." The Law on the Prevention of the Occurrence of Crime adopted in 2015 (1394 AH), however, with a criticizable approach, without providing a separate

definition of the aforementioned prevention, has attempted to reflect all types of prevention with this incomplete statement: "Prevention of the occurrence of crime means predicting, identifying, and assessing the risk of the occurrence of crime and adopting necessary measures and actions to eliminate or reduce it."

Conclusion

Each of the clauses of the Third Principle of the Constitution, by providing non-penal mechanisms for crime prevention in the social sphere, can and should inspire the welfare state in providing the basic needs of the masses. So much so that by improving public services in light of well-considered policies based on planning, organizing, coordination, and sustainable control, it can play a significant role in the realization of educational, economic, social, and political justice, and consequently, the reduction of the grounds for corruption and ruin.

Keywords: Third Principle of the Constitution, Social Prevention, Democracy, Sport and Physical Training, Economy.

دوره هجدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

JLS

مجله مطالعات حقوقی

Journal Homepage: <https://jls.shirazu.ac.ir/>
doi: <https://10.22099/JLS.2025.53896.5364>

مقاله پژوهشی

خوانش جرم‌شناختی از اصل سوم قانون اساسی (راهبردهای پیش‌گیری جامعه‌مدار از جرم)

محسن شریفی*

استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴

اطلاعات مقاله

چکیده

مقدمه: پیش‌گیری از جرم به‌عنوان راهبرد سیاست جنایی، با کاربست تدابیر کیفری و غیرکیفری واقعیت می‌نماید. رویکرد نخست، مقصود خود را با ممنوعیت کیفری رفتارهای مغایر نظم عمومی و کیفرگذاری بایسته برای آن‌ها به منصفه ظهور می‌رساند. رویکرد دوم اما با نگاه جرم‌شناختی و علمی به این پدیده، در صدد مهار آن از طریق کاربست اقدام‌های غیر قهرآمیز است. از جمله شکل‌های پیش‌گیری از جرم در معنای دوم، پیش‌گیری جامعه‌مدار است که خارج از نظام کیفری، با خط‌مشی‌ای علت‌شناسانه و پیشینی، در تکاپوی حذف یا کاهش عامل‌های پیرامونی جرم‌زا با اتکا به اقدام‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر می‌آید. به‌این‌سان، پیش‌گیری یادشده، با این فرض که گونه‌های متنوع محیط در تنظیم نظام رفتاری اشخاص مؤثراند، به‌منظور عدم گرایش آن‌ها به نقض هنجارهای اجتماعی، سازوکارهایی نظیر سامان‌دهی بنیادهایی چون اقتصاد، مسکن، آموزش و پرورش و تربیت بدنی را در دستور کار قرار می‌دهد.

روش: در این پژوهش، با روشی توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود که با توجه به اهمیت حقوق پیش‌گیری اجتماعی از جرم در شکل جامعه‌مدار آن، این

استناد به این مقاله:

شریفی، محسن (۱۴۰۵). خوانش جرم‌شناختی از اصل سوم قانون اساسی (راهبردهای پیش‌گیری جامعه‌مدار از جرم). *مجله مطالعات حقوقی*. ۱۸. (۱). ۶۸۲-۶۴۳

بعد از سیاست جنایی و راهبردهای فروگشای آن تا چه میزان در قانون اساسی به مثابه مقرر فراتقنینی انعکاس یافته و جنبه برین به خود گرفته است؟ اصل‌های مختلفی از قانون اساسی به مقوله پیش‌گیری از جرم و طریق‌های نیل به آن اهتمام ورزیده‌اند. اما نقطه اتکای این نوشته، اصل سوم این سند است؛ از آن‌رو که، به‌رغم دربرداشتن راهکارهای جامعی پیش‌گیری از جرم، در دیگر پژوهش‌های صورت گرفته، به نحو عمیق به آن پرداخته نشده است.

یافته‌ها: بررسی‌ها، دلالت بر این دارد که اهمیت پیش‌گیری از جرم به‌عنوان رویکردی هنجارمند در سیاست جنایی، موجب شده که این مهم، نه‌تنها در چارچوب مقرره‌های تقنینی و فروتقنینی، که در سطح مقررۀ فراتر و راهبری چون قانون اساسی نیز نمود یابد. از این‌رو، با اهتمام به گونه‌های پیش‌گیری از جرم از جمله پیش‌گیری اجتماعی در اصول متعدد این سند بالادستی نظیر اصل سوم- موضوع این نوشته- اسباب اساسی سازی آن ایجاد و با پیش‌بینی سازوکارهایی به آن جنبه بنیادی داده شده است. وجه سرشتی و هویتی پیش‌گیری مزبور، به محتوای چاره‌اندیشی‌های علمی و مطالعه‌شده‌ای همچون بی‌ریزی اقتصاد فقرزدا، اشتغال‌زا، تأمین رفاه و کمینه‌های زندگی، تقویت آموزش و پرورش، تعمیم آموزش عالی، ارتقای گستره آگاهی همگانی با به‌رمندی بایسته از ظرفیت مطبوعات و رسانه‌های گروهی، تقویت مشارکت سیاسی قشرهای مختلف، تربیت بدنی رایگان، سامان‌دهی اوقات فراغت شهروندان به‌خصوص کودک و نوجوان، و وجه شکلی این آموزه، به قلمرو مدیریت و چگونگی اجرای آن توسط نهادهای فرابخشی چون ارگان‌های دولتی، عمومی و مردم نهاد در پهنه کشور توجه دارد. نسخه نخست لایحه پیش‌گیری از وقوع جرم سال ۱۳۸۵ نیز در یک تعریف به نسبت جامع این نوع پیش‌گیری را «در بردارنده مجموعه تدابیر و روش‌های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دولت، نهادها و سازمان‌های غیردولتی و مردمی در زمینه سالم‌سازی محیط اجتماعی و محیط فیزیکی برای حذف یا کاهش عوامل اجتماعی وقوع جرم» معرفی کرده است. قانون پیش‌گیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ اما با رویکردی قابل انتقاد، بدون ارائه تعریفی مجزا از پیش‌گیری مزبور، با این بیان ناکامل که: «پیش‌گیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن»، سعی در انعکاس همه گونه‌های پیش‌گیری کرده است.

نتیجه‌گیری: هریک از بندهای اصل سوم قانون اساسی، با پیش‌بینی سازوکارهای غیر کیفری از جرم در پهنه اجتماع، می‌تواند و باید الهام‌بخش دولت رفاه در تأمین نیازهای اساسی توده‌ها باشد. چندان‌که با بهبود خدمات عمومی در پرتو سیاست‌های سنجیده مبتنی بر برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و

کنترل پایدار، نقش به‌سزایی در تحقق عدالت آموزشی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و در نتیجه، کاهش زمینه‌های فساد و تباهی ایفا کند.

واژگان کلیدی: اصل سوم قانون اساسی، پیش‌گیری اجتماعی، دموکراسی، ورزش و تربیت بدنی، اقتصاد.

سرآغاز

اهمیت پیش‌گیری از جرم به‌عنوان رویکردی هنجار مند در سیاست جنایی، موجب شده که این مهم نه‌تنها در چارچوب مقرره‌های تقنینی و فرو تقنینی که در سطح مقرره‌های فراتر و راهبری چون قانون اساسی نمود یابد. از این‌رو، با اهتمام به گونه‌های پیش‌گیری از جرم، از جمله پیش‌گیری اجتماعی، در اصول متعدد این سند بالادستی نظیر اصل سوم - موضوع این نوشته - اسباب اساسی سازی آن ایجاد و با پیش‌بینی سازوکارهایی به آن جنبه بنیادی داده شده است. وجه سرشتی و هویتی پیش‌گیری مزبور، به محتوای چاره‌اندیشی‌های علمی و مطالعه شده‌ای همچون پی‌ریزی اقتصاد فقرزدا، اشتغال‌زا، تأمین رفاه و کمینه‌های زندگی، تقویت آموزش و پرورش، تعمیم آموزش عالی، ارتقای گستره آگاهی همگانی با بهره‌مندی شایسته از ظرفیت مطبوعات و رسانه‌های گروهی، تقویت مشارکت سیاسی اقشار مختلف، تربیت بدنی رایگان، سامان‌دهی اوقات فراغت شهروندان - به‌خصوص کودکان و نوجوانان - و وجه شکلی این آموزه، به قلمرو مدیریت و چگونگی اجرای آن توسط نهادهای فرا بخشی چون ارگان‌های دولتی، عمومی و مردم‌نهاد در پهنه کشور توجه دارد (Najafi, 2014, 988-990).

نسخه نخست لایحه پیش‌گیری از وقوع جرم سال ۱۳۸۵ نیز در یک تعریف به نسبت جامع، این نوع پیش‌گیری را «دربدارنده مجموعه تدابیر و روش‌های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دولت، نهادها و سازمان‌های غیردولتی و مردمی در زمینه سالم‌سازی محیط اجتماعی و محیط فیزیکی برای حذف یا کاهش عوامل اجتماعی وقوع جرم» معرفی کرده است. قانون پیش‌گیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ اما با رویکردی قابل انتقاد، بدون ارائه تعریفی مجزا از پیش‌گیری مزبور و با این بیان ناکامل که: «پیش‌گیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن»، سعی در انعکاس همه گونه‌های پیش‌گیری داشته است (Shiri, 2017: 10-13).

باری، پیش‌گیری اجتماعی از این رهگذر، از نوع کنشی بوده و دربردارنده مجموعه درایت‌های دانشی و کاربست ابزارهای غیر کیفری برای ممانعت از وقوع جرم به صورت پایدار، از طریق گشایش در ساختار جامعه خرد و کلان و اصلاح شخصیت فرد جهت همنوایی با ارزش‌های اجتماعی است (Mansour Abadi & Ebrahimi, 2008: 12). به این‌سان، پیش‌گیری به این مفهوم، در دو ساحت جامعه مدار و رشد مدار کارکرد عینی دارد. رویکرد نخست، بر آن است تا با زدایش یا کاهش زمینه‌های جرم‌زای نهفته در بافت جامعه و شیوه حکمرانی و سیاست‌گذاری، بر محیط‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اثر گذاشته و با سالم‌سازی و کارآمد کردن آن‌ها، حقوق مادی و معنوی اشخاص حقیقی و حقوقی را احیا و به مقصود خود نائل شود (Gholami, 2021: 138; Rahiminejad, 2023: 113).

ویژگی مشخص‌کننده رویکرد دوم اما تمرکز بر بزه‌کاری در ارتباط با دگرگونی‌هایی است که در بستر زمان در افراد و شرایط زندگی‌شان ایجاد و آن‌ها را در آستانه نقض هنجارهای اجتماعی قرار می‌دهد. اگرچه این گرایش از جرم‌شناسی در تکاپوی ارائه کاربردی‌ترین راهکارها برای مبارزه با بزه‌کاری و پیش‌گیری از آن در سیر زندگی از خردسالی تا کهن‌سالی است، ولی در عمل بیشترین حجم پژوهش‌های صورت گرفته در این بعد، اختصاص به کودکان و نوجوانان دارد، به این‌رو که روند رشدشان متأثر از متغیرهای زیست‌شناسانه، روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه هرآینه با آسیب‌ها و تلاطم‌های زودرس روبه‌رو است.

در میان اشخاص مجری اصل‌های قانون اساسی، از جمله اصل سوم، در پرتو دستاوردهای نظری و عملی جرم‌شناسی پیشگیرانه، دولت به سبب داشتن وظایف اساسی و حاکمیتی در تضمین زندگی توأم با کرامت و امنیت برای شهروندان، سهم پررنگ‌تری دارد. حق‌های شهروندی متصور در این سند، مانند موارد پیش‌گفته، پایه پیش‌گیری دارند و بدون ایفای نقش دولت و نهادهای وابسته، به‌نحوی که باید تجسم نمی‌یابند. هم‌دستی مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد برای نیل به موفقیت در برنامه‌های

پیشگیرانه، به‌ویژه از نوع محله محور در حوزه سیاست جنایی مشارکتی، نیز منوط به پشتیبانی مستمر دولت است.

این است که دولت رفاه، به معنای قدرت فائقه، متعهد به تأمین نیازهای اساسی توده‌ها و بهبود خدمات اجتماعی فراگیر مصرح در قانون اساسی، از جمله اصل سوم، در پرتو سیاست‌های سنجیده مبتنی بر برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هماهنگی و کنترل، سهم بسزایی در تحقق عدالت آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و کاهش زمینه‌های فساد و تباهی دارد. این امر البته به مفهوم سیطره انحصاری دولت بر امور به سبک تفکر سوسیالیستی و مارکسیستی نیست، بلکه از مجرای تعامل نهاد قدرت با دیگر اجزای جامعه، دامنه وسیعی از حقوق در قالبی دموکراتیک به مقتضای کرامت و فاعلیت اخلاقی انسان و هم‌زمان دارای کارکرد پیشگیرانه از سطوح واقعی جرم و آشوب تأمین می‌شود (Zadmehr, Nazemi Ashni & Hosseini, 2021, 280-284).

توجه صاحب‌نظران حوزه سیاست جنایی به اهمیت و کارآمدی دولت در پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی قبل از وقوع و به عبارتی مدیریت پیش از بحران، از این بعد است که این دستگاه به‌واسطه مواجهه بودن با عوامل جرم‌آفرین در سطح خرد و کلان و داشتن امکانات و اختیارات کافی، قادر به شناسایی آن‌ها و اقدام‌های پیشینی همچون بهبود کیفیت زندگی شهروندان و رشد فضایل اخلاقی آن‌ها خواهد بود (Niazpour, 2014: 160-108; Alivardinia, 2014: 39-40; Ardebili, 2023: 122).

افزون بر این، انگشت تأکید نهادن بر اصل سوم قانون اساسی در این مجال، به معنای آن نیست که سایر بخش‌های این سند، از جمله مقدمه و اصل‌های نوزدهم، بیست و یکم، بیست و چهارم، بیست و پنجم، بیست و هشتم، بیست و نهم، سی‌ام، سی و یکم و شماری دیگر، بر وظیفه اساسی دولت در تأمین حقوق ملت و نیازهای بنیادی آن‌ها وقعی نمی‌نهند؛ اما به‌زعم نگارنده، نظم فکری حاکم بر اصل سوم و گستره‌ای که برای کارکرد این نهاد در آموزش، اشتغال، مسکن، ورزش، رسانه و به‌طور کلی تدابیر واجد پیش‌گیری کرامت‌مدار فراهم کرده، بیش از همه است. بندهای مختلف این اصل،

تداعی‌کننده جنبه‌های دوگانه حقوق ماهوی و شکلی پیش‌گیری از جرم و اهتمام به یافته‌ها و ایده‌های جرم‌شناسی، مانند نظریه فشار است که در پژوهش‌های صورت گرفته کمتر بدان پرداخته شده و تفصیل یافته است. سازوکارهای مندرج در بندهای یکم، دوم، سوم، هفتم، هشتم، نهم، دهم، دوازدهم و چهاردهم اصل سوم قانون اساسی، پایه جرم‌شناختی داشته و به سبب پیوند با پیش‌گیری اجتماعی از وقوع بزه‌کاری قابل بررسی هستند. با این حال، مجال تبیین همه آن‌ها در این نوشته فراهم نیست و از این‌رو، به تشریح مصداق‌هایی بسنده شده که در نگاشته‌های پیشین کمتر مورد اهتمام واقع شده و یا در صورت اهتمام، با تحلیل‌های این نوشته زاویه دید دارند.

راجع به پیشینه پژوهش هم افزودنی است، ادبیات و دیرینه مطالعه در این پهنه، درخور و به نسبت غنی است. با وجود این، یکجایی توجه به اصل سوم قانون اساسی بر مبنای آموزه‌های جرم‌شناختی و استخراج بایسته‌های پیش‌گیری اجتماعی از بندهای آن، به‌خصوص پیوند این قضیه با پدیده‌هایی چون دموکراسی، کمتر مورد اعتنا قرار گرفته است. از نمونه تحقیقات صورت گرفته در این وادی، می‌توان به «مدیریت پیش‌گیری از جرم در ایران» اشاره کرد که با دیدی جامعه‌شناختی و بدون ورود به ساحت قانون اساسی، از مدیکالیزه کردن سبب‌شناسی هنجار‌گیزی پرهیز و با تکیه بر نظریه‌های کارکردگرایی ساختاری، به علل اجتماعی و اقتصادی این رویداد اشاره و برای مقابله، کاربست راه‌حل‌های روشمندی چون برقراری نظام رفاه اجتماعی را پیشنهاد می‌کند (Alivardinia, 2014: 37-58). «اساسی سازی حقوق پیش‌گیری از جرم در ایران» تحقیق دیگری است که از مهار پدیده مجرمانه به‌عنوان جنبش حقوقی یاد و به نقش قدرت عمومی در کنار سایر بخش‌های جامعه در تحقق این مهم توجه می‌کند (Niazpour, 2014: 91-111). «تعهد نهادهای حکومتی در پیش‌گیری از وقوع جرم» نیز نوشتار قابل‌اعتنایی است که با دیدی جامع‌نگر، به مهار پدیده مجرمانه توسط این مجموعه با هم‌فکری متخصصان این حوزه می‌پردازد (Khatibi, Ahmadi & Sheikholeslami, 2018: 53-84). «مبانی پیش‌گیری از جرم در قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران» نیز تحقیق مرتبط با موضوع است که به بند پنجم اصل (۱۵۶) قانون اساسی و نقش مدیریتی قوه قضائیه در پیش‌گیری از جرم و نظرگاه‌های مختلف راجع به آن پرداخته و بر لزوم بهره‌مندی این نهاد از مشارکت مردم و تجربه‌های سایر کشورها استدلال می‌کند (Ahmadi Moghadam, Esmaeili & Hajitabar, 2019: 285-300).

باری، سازمان‌دهی پژوهش به این ترتیب است: نخست، پیشینه و مبانی نظری پژوهش بازگو شده است؛ سپس به اهمیت چند نهادی بودن پیش‌گیری اجتماعی جرم پرداخته شده است. در ادامه، به ترتیب، تأثیر رویکردهای چهارگانه رسانه‌های آگاهی‌بخش، ورزش و تربیت‌بدنی، دموکراسی و پی‌ریزی اقتصاد سالم در تحقق این نوع پیش‌گیری مورد بحث قرار گرفته است.

۱. مبانی نظری پژوهش

از جمله نظریه‌های جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی مرتبط با بحث‌های در پیش رو، نظریه فشار است. انگاره به‌جای مانده از سال ۱۹۳۸ توسط رابرت کی مرتن که در وضعیت معاصر نیز رهنمودی برای جلوگیری از وقوع جرم از طریق اصلاح ساختار اجتماعی تبعیض‌آمیز و سالم‌سازی نظام اقتصادی طبقاتی شده است. از این منظر، هدف‌های پذیرفته شده اجتماعی در شرایط نبود ابزارهای کافی در دست شهروندان برای نیل بدان‌ها، برخی را برای عبور از این دوگانه، در تنگنای توسل به رویکردهای غیر مشروع و مجرمانه قرار می‌دهد. با این وصف، فشار موردنظر می‌تواند در دو گونه ساختاری و فردی جلوه کند. گونه نخست، ارتباط با فرآیندهایی در بافت جامعه دارد که همسو با تشویق استانداردهای بالای موفقیت، ساختار مناسبی را در توزیع فرصت‌ها و ابزارهای دستیابی به آن در میان توده‌ها تعریف نمی‌کند. گونه دوم، به تجزیه و تحلیل شخصی فرد قرار گرفته در این وضعیت برمی‌گردد که با برتر دانستن هدف‌های تبلیغ شده

نسبت به وسیله تحقق آن‌ها، توسل به ابزار مجرمانه را یگانه راه واقعیت یافتنشان می‌بیند (Sadeghnejad Naeini, 2022: 79-93). این است که جامعه به دلیل شرایط اجتماعی و اقتصادی مولد فشار و در نبود محرک‌های مثبت و وجود هم‌زمان محرک‌های منفی تا اندازه‌ای زمینه‌ساز انحراف و جرم از جانب برخی اشخاص به گونه‌ای باورمند است.

اندیشه دیگر مرتبط با بحث، به‌خصوص در حوزه رسانه و ابزارهای ارتباط جمعی، نظریه یادگیری اجتماعی در بستر جرم‌شناسی فرهنگی است. یافته‌های این ایده نشان می‌دهد که قابلیت تأثیرپذیری گروه‌های سنی مختلف از آموزه‌ها، تفسیرها و اطلاعات رسانه‌های حقیقی و مجازی، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، بالا است. شک نیست که قرار گرفتن دائم افراد و از همه مهم‌تر قشر اخیر در معرض شبکه‌های تلویزیونی و رایانه‌ای و رؤیت رفتارهای خشن و نابهنجار، نفوذ مخربی بر شخصیت و نگرش آن‌ها نسبت به زندگی خواهد داشت. تماشای پرتکرار هنجارشکنی‌ها و نادیده انگاشتن قوانین در فضای رسانه، می‌تواند به نحو محسوسی موجبات عادی‌انگاری آن‌ها در نزد مخاطبان و به‌خصوص نسل کم‌سن‌وسال را فراهم کند (Malakouti & Mohseni, 2023: 212). آنچه را که جامعه‌شناسانی چون گابریل تارد در چارچوب نظریه تقلید و فراگیری جرم، به‌مانند سایر رفتارهای نوپدید انسانی یاد می‌کنند، از رهگذر رسانه‌ها قابلیت بیشتری برای تحقق دارد (Taheri Kia, 2014: 63). در مقابل، سرشار کردن این فضای گسترده از برنامه‌های با محتوای آموزشی و ارتقا دهنده فرهنگ قانون‌مداری، با بهره‌گیری از متخصصان حوزه‌های مختلف، ضرورتی انکارناپذیر برای افزایش تعهد کاربران به مجموعه‌ای از ارزش‌ها و قواعد موردقبول جامعه و ممانعت از سوق یافتن آن‌ها به ورطه کج‌روی است.

نظریه فنون خشی‌سازی دیوید ماتزا نیز در درک چرایی ارتکاب بسیاری از جرم‌ها از ناحیه شهروندان و کاربست راهکارهای اجتماعی پیش‌گیری از آن‌ها، از جمله تقویت مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش - تدبیری دیگر مدنظر اصل سوم قانون اساسی - مؤثر است. چه، به هر میزان که قوانین جرم‌انگار برخاسته از خواست عمومی

و حامی ارزش‌های موردقبول اکثریت جامعه باشد، کمتر نادیده انگاشته می‌شوند (Rahiminezhad, Aghayari & Gholipour, 2025: 94). در برابر، مصوبه‌هایی که ناهم‌سو با فهم افکار عمومی و تقید اخلاقی و آموزه‌های آن‌ها باشند، می‌توانند با این استدلال که قبجی در فرهنگ مسلط مردم ندارند، خنثی و در معرض الغا و انکار مسئولیت قرار گیرند.

۲. چند نهادی بودن پیش‌گیری اجتماعی از جرم در اصل سوم قانون اساسی

از تطبیق اصل سوم قانون اساسی حاوی رویکردهای دارای پایه پیش‌گیری از جرم، همانند سامان‌دهی نظام اقتصادی، ایجاد رفاه و رفع تبعیض، ارتقای سطح آگاهی عموم در همه زمینه‌ها از طریق وسایل ارتباط جمعی، آموزش و پرورش و مدیریت اوقات فراغت با ابزارهایی نظیر تربیت‌بدنی فراگیر و رایگان، فراهم کردن زمینه معاضدت شهروندان در تعیین سرنوشت کشور و بند پنجم قانون اساسی در تصریح به نقش دستگاه قضا در امر پیش‌گیری و ماده (۲) قانون پیش‌گیری از جرم در معرفی رئیس قوه قضائیه به‌عنوان سرپرست شورای عالی پیش‌گیری از جرم و با این حال، چنین متنوع اعضای این شورا از جمله وزرای کشور، فرهنگ و ارشاد اسلامی، اقتصاد، آموزش و پرورش، اطلاعات و مقام‌های دیگری مثل رئیس صداوسیما، رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی کشور، رئیس دیوان محاسبات کشور و حسب مورد، نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد، به‌منظور تنظیم و تعقیب سیاست‌های جامع و هماهنگ در زمینه پیش‌گیری از وقوع جرم، نظارت بر اجرای آن و حمایت از مشارکت مردم و نهادهای مردمی به دست می‌آید که مدیریت کلان این نوع پیش‌گیری بر عهده قوه قضائیه و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های این راهبرد، در گرو تشریک مساعی طیف گسترده‌ای از نهادها و سازمان‌های دیگر است.

از حیث نمونه، می‌توان به برنامه ملی پیش‌گیری از وقوع جرم در اتریش با هدایت وزارت کشور اشاره کرد که با بسیج نهادها و گروه‌های مختلف، طرح‌های پیشگیرانه

جرم‌شناختی را اجرا و همچنین، با استقرار مراکز آگاه‌سازی در سراسر کشور، حس مسئولیت همگانی را در این خصوص قوت بخشیده و گسترش داده است. مصداق دیگر، اسلواکی است که وظایف راهبردی پیش‌گیری از جرم را در سه سطح دولتی، منطقه‌ای و محلی تعیین کرده است؛ چندان‌که سیاست‌گذاری، تدوین قانون و ایجاد هماهنگی را در سطح دولتی و اقدام‌های اجرایی را در سطوح منطقه‌ای و محلی انجام می‌دهد (Khatibi, Ahmadi & Sheikholeslami, 2018: 669-679). همین‌طور در انگلستان، متصدی برنامه‌ریزی کلان پیش‌گیری از جرم با بودجه‌بندی، تنظیم جدول زمانی و ایجاد همسویی با سایر بخش‌های مشغول در این حوزه، وزارت کشور است. دلیل دیگری که می‌تواند تفویض مدیریت پیش‌گیری از جرم به وزارت کشور در سطح ملی و به استانداری در سطح منطقه‌ای را موجه کند، امکان بازخواست آن‌ها توسط نمایندگان مردم در مجلس نسبت به عملکردشان در این زمینه است.

اکنون که این قانون بر پایه عقلانیت برای قوای سه‌گانه و مجموعه‌ای از نهادهای خرد و کلان مرتبط با پیش‌گیری، تکالیفی برشمرده و بحث مربوط به این قضیه را از محفل‌های دانشگاهی صرف خارج کرده و بدان وجهه حقوقی بخشیده است، مشخص نیست که چرا برای ترک این وظیفه، ضمانت اجرا لحاظ نکرده است. در بوتۀ اجرا، تمرکززدایی از نهادی خاص و سرشکن کردن تدابیر پیش‌گیرنده به سازمان‌های مختلف، به دلیل اشراف بر عامل‌های جرم‌زای حوزه مطالعاتی خود، چاره‌جویی مناسب‌تری است؛ شیوه‌ای که قانون نام‌برده به‌درستی آن را به کار بسته است. با این‌همه، عدم عضویت ثابت نمایندگان ارگان‌های مردم نهاد و ندادن حق رأی به آن‌ها در شورای عالی پیش‌گیری از جرم و نیز عدم ذکر نام سازمان ملی جوانان، سازمان قضایی نیروهای مسلح، ستاد مبارزه با مواد مخدر و شهرداری‌ها در فهرست اعضای این شورا، به‌رغم مبرهن بودن نقش و مسئولیت آن‌ها در قبال بحران‌های اجتماعی، ایده‌ها و راهبردهای پیشگیرانه، نابسندۀ و برخلاف بند یکم ماده سوم این قانون مبنی بر تقسیم‌کار با این وسعت در عرصه ملی بین همه دستگاه‌های مسئول است.

از آنجاکه ممکن است بین بنیادهای متصدی در امر پیش‌گیری، ناهماهنگی و تداخل در کار پیش‌آید، مانند موضوع زنان و کودکان خیابانی که مرتبط با چند نهاد از جمله نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی و ستاد مبارزه با مواد مخدر است، رسالت این هیئت عالی، چاره‌اندیشی در این خصوص از طریق توزیع وظیفه بین آن‌ها است (Shiri, 2017: 14-16). به‌هرروی، شورای یادشده، راهبردها و سیاست‌های کلی حوزه پیش‌گیری را تدوین و پس از تصویب مقام رهبری به سازمان‌ها و نهادهای وابسته ابلاغ می‌کند.

همچنین، پیمایش راندمان کار اداره‌ها و سازمان‌های مسئول در این زمینه و ارزیابی مطلوبیت یا عدم مطلوبیت سیاست‌ها و برنامه‌ها، مقوله‌ای دیگر است و بر عهده شورای مورد بحث است. همین‌طور، انتظار می‌رفت که قانون مورد اشاره در اجرای اصل‌های قانون اساسی، از جمله اصل سوم، برای این شورا هدف‌گذاری کند؛ کما این‌که ماده (۲) لایحه پیش‌گیری از جرم سال ۱۳۸۵ و ماده (۲) لایحه سال ۱۳۸۸ به این نکته توجه کرده و با اندک تفاوتی در عبارت‌ها، غایت وجودی خود را تهیه، تنظیم و پیگیری سیاست‌های جامع و هماهنگ در زمینه پیش‌گیری از جرم، نظارت و اجرای آن و حمایت از مشارکت مردم و نهادهای مردمی دانسته‌اند. درنهایت، می‌توان تجلی ناقصی از اصل سوم قانون اساسی را در قانون شش ماده‌ای پیش‌گیری از وقوع جرم یافت؛ چه، تمرکز بر چینش اعضای شورای موصوف و وظایف آن و به‌طور کلی امور شکلی کار، موجب عدم توجه عمیق به مسائل ماهوی و بنیادی پیش‌گیری از جرم و برنامه‌ها و سیاست‌های ناظر به هر یک از گونه‌های پیش‌گیری، از جمله نوع اجتماع مدار آن شده است.

۳. سازوکارهای اصل سوم قانون اساسی در پیش‌گیری اجتماعی از جرم

۳-۱. پیش‌گیری جامعه‌مدار از جرم با بهره‌مندی از رسانه (بند دوم اصل سوم قانون اساسی)

رسانه‌ها از جمله جریان‌های اجتماعی‌اند که با توان جذب افکار عمومی و برخورداری از رویکردی دوگانه، هم در جرم خیزی و هم در پیش‌گیری از وقوع جرم، زمینه‌ساز و دارای کارکرد هستند. چه، آن‌ها نماد جریان اطلاعاتی جامعه و حائل میان افراد و کنش

و واکنش‌های صورت گرفته بین آن‌ها در بزنگاه‌های مختلف هستند. نفوذ وسایل ارتباط جمعی بر مردم چنان است که پنداشت‌های بسیاری از آن‌ها را در مورد جرم و نحوه مواجهه با آن شکل می‌دهد. از باب نمونه، پرداختن‌های احساسی و هیجانی رسانه‌ها به رویدادهای جنایی و رقابت تنگاتنگ آنان در بازتاب وقایعی نظیر قتل و تجاوز، بسا به عادی‌انگاری آن‌ها در اذهان برخی دامن زند. این است که با وجود رسالت رسانه‌های دیداری و شنیداری در پوشش دهی شفاف حوادث اجتماعی به مخاطبان و سمت‌گیری در تثبیت امنیت، در صورت نسنجیده بودن اقدام آن‌ها در به تصویر کشیدن رخدادها از جمله بازگو کردن زوایای پنهان و ترفندهای تحقق بزه‌ها، نقشی وارونه ایفا و در عمل می‌تواند فضا را به سمت جرم‌خیزی و برکشیدن امیال بزهکارانه افراد مستعد هدایت کند (Gholami, 2021: 150). بدین منظور، انتظار از گونه‌های سنتی و مدرن وسایل ارتباط جمعی در انعکاس نابسامانی‌های اجتماعی و کج‌روی شهروندان حقیقی و حقوقی، داشتن سویه پیش‌گیری است و بر این پایه، سزاوار است که در امتداد نظرگاه جرم‌شناسان که همواره در تکاپوی شناخت علل بزه‌کاری و راه‌های ممانعت از وقوع یا تکرار آن هستند، سیاست‌گذاری کرده و بخشی راستین از هیئت اجتماعی باشند که در این فراگرد اطلاعاتی برای مبارزه علیه بزه‌کاری تجهیز شده است.

از دیدگاه جامعه‌شناختی، ایفا نقش رسانه‌های جمعی در بعدهای مختلف و ساخت برنامه پرمخاطب باید چندان باشد که در فرو گشایی معضل‌های اقتصادی، برکشیدن احساس مسئولیت همگانی، تقویت روحیه تعاون و میانجی‌گری در اختلافات و نزاع‌ها، فرهنگ پرسش‌گری مردم و پاسخ‌گو بودن دولت، اهتمام به ارزش‌های بنیادین، توجه به دنیای کودکان و خطرهای پیرامون آن‌ها، استحکام نهاد خانواده و تقویت فرهنگ پاک‌زیستی و بخشش مجرم نادم مؤثر در مقام باشند. پس عملکرد رسانه‌ها از جمله تلویزیون، سینما و در سال‌های اخیر شبکه‌های خانگی و اجتماعی نباید در بعد سرگرمی، خبررسانی و انعکاس ژانرهای جنایی متوقف مانده و انتظار می‌رود به ایجاد

وفاق و مشارکت مردم در تأمین امنیت اجتماعی و برنامه‌های پیشگیری محور و درک مسئولانه از محیط پیرامون کمک کند. در سه رویکردی که نظریه پردازان به پیش‌گیری از وقوع جرم دارند، یعنی توسل به بازوهای قهری نظام عدالت کیفری مانند پلیس، زندان؛ سلب مجال ارتکاب جرم از شخص مصمم؛ امحا یا کاهش انگیزه بزه‌کاری با تدابیر اجتماعی، می‌توان به رسانه‌ها به‌ویژه در مورد سوم (پیش‌گیری اجتماعی) نقشی پررنگ اعطا کرد. آن‌ها خواهند توانست به‌واسطه داشتن پایگاه اجتماعی منحصربه‌فرد، وظیفه اخلاقی خود را با حمایت از هنجارهای اجتماعی ادا و در ایجاد روح هم‌بستگی میان افراد راهبر باشند. در نقطه مقابل، آن‌ها قادر خواهند بود با تأثیر بر تشخیص شهروندان به‌خصوص گروه‌های کم‌سن‌وسال، فرآیند اجتماعی شدن آن‌ها را مختل و به سمت چندگانگی فرهنگی، نفرت پراکنی و خصومت نسبت به هم‌نوع سوق دهند.

پوشیده نیست که بسیاری از تعرض‌ها و رفتارهای خشونت‌بار کودکان با هم‌سالان خود در محله، مدرسه و خانواده، ریشه در رسانه‌های تصویری در پی نمایش بازی‌های خشن، فیلم‌های تخیلی خشونت‌بار، دیالوگ‌های تهاجمی و ترویج عشق، نفرت و انتقام دارد. چه، آن‌ها این‌گونه می‌آموزند که توسل به خشونت و جرم، رهیافتی معقول برای حل مسائل و رفع بحران‌های محیط بر آن‌ها است. تحقیقات پیشین در آمریکا معلوم کرد که در هر برنامه هفتگی سه شبکه تلویزیونی، نودودو بار حمله با اسلحه گرم، یک‌صد و سیزده مورد صحنه تجاوز به عنف، نه فقره خفه کردن، یک‌صد و بیست‌وهشت فقره نزاع دسته‌جمعی و یک‌صد و هفتادونه مورد تخلف از قانون به نمایش درآمده است. دیگر این‌که هر کودک تا چهارده‌سالگی، قریب به سیزده هزار قتل را نظاره‌گر بوده است. همچنین، بیش از بیست سال تحقیقات عملیاتی و مشاهده‌ای آشکار کرد که بین خشونت رسانه‌ای به تصویر کشیده شده و انحراف در رفتارها و باورهای طبقه موصوف، ارتباط مستقیمی وجود دارد. این نیز به دست آمد که ترجیح برنامه‌های اجتماعی بر دیگر برنامه‌ها از جانب تماشاگران، در تناسب سازی رفتارشان با قواعد اجتماعی به هفتادوچهار درصد ارتقا یافته است (Mohammadi et al, 2018:)

248). به این‌سان، جرم همان‌طور که می‌تواند ریشه در مسائل اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی داشته باشد، می‌تواند برساخته رسانه‌ها از طریق تصویرسازی نادرست از جرم‌ها و جنایت‌ها و آموزش جنایی باشد.

به‌هرروی، موضوع آموزش و هدایت‌گری در زمینه اخلاقیات و پایبندی به نظم و اصول اجتماعی و بحث امنیت، نیازمند مخاطبان پرشمار و شناخت گرایش آن‌ها بوده و این فرصت، بیش از همه، در اختیار ابزارهای ارتباط عمومی قرار دارد. آن‌ها هم‌سو با گسترش سواد رسانه‌ای مردم، در کنار قوه قضاییه به‌عنوان متولی پیش‌گیری (بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی)، جایگاه پراهمیتی در ارتقای فرهنگ قانون‌مداری و القای امنیت اجتماعی و روانی دارند؛ زیرا قوه مزبور می‌تواند در انجام مأموریت خویش طبق اصل مزبور، امکانات صداوسیما و دیگر وسایل ارتباط جمعی را در امر آموزش مخاطبان به خدمت گیرد (Goldouzian & Jalali, 2018: 248). این گفته اما بدین معنا نیست که در پرتو این تدبیرها، کارکردهای منفی گروه‌های رسانه‌ای و به‌خصوص تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی به صفر می‌رسد. بلکه مسئله، منفعل نبودن نسبت به این قضیه و استفاده از نفوذ این ابزارهای سایه افکننده بر تمامی شئون افراد به هدف مدیریت این وضعیت از طریق آگاه کردن قشرهای مردمی و از همه مهم‌تر کودکان و نوجوانان از مخاطره‌ها و ضد ارزش‌ها است. بدیهی است که در نیل به این مقصود، بهره‌گیری از نظرگاه‌های متخصصان حوزه‌های علوم تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و فناوری‌های نوین و بهبود حس مسئولیت‌پذیری آن‌ها در قبال خود و دیگران، اجتناب‌ناپذیر است.

۲-۳. تربیت بدنی رایگان برای عموم برای تمام سطوح (بند سوم اصل سوم قانون اساسی)
در کنار سایر عامل‌ها، فعالیت‌های بدنی و ورزشی، هم در پیش‌گیری از گونه‌های جرم و هم در بازپروری مجرمان به‌ویژه جوان، سهمی به سزا دارد؛ زیرا از این رهگذر، انعطاف‌پذیری شخصی و اعتمادبه‌نفس افراد تقویت شده و محیط درونی و بیرونی سالم

و مساعدی برای فراگیری آموزه‌های مثبت اجتماعی برای آن‌ها رقم می‌زند. به‌زعم محققین، تربیت‌بدنی و شاخه‌های ورزشی موجبی است تا شخص مشغول به این امر، ضمن تمرین خودکنترلی، خود نظمی و عزت‌نفس، نسبت به فرهنگ جرم و جنایت بیگانه شده و مجاللی برای هم‌سوئی با متخلفین نیابد. حسب تحقیقات، با به اجرا درآمدن بازی‌های بسکتبال در آمریکا از دهه ۱۹۹۰، به‌مرور از میزان ارتکاب جرم‌های شبانه توسط سوی جوانان کاهش یافت (Kalashi et al, 2017: 117). به یک معنی، پرورش تن و مشارکت در رویدادهای ورزشی، می‌تواند سبب تناسب‌اندام و سلامت افراد، بهبود عملکرد آموزشی و شغلی، ارتقای مهارت‌های اجتماعی، تزریق حس شایستگی، فرو کاستن از رفتارهای مجرمانه، کاهش استفاده از مواد مخدر و روان‌گردان و میل به همکاری در اقدام‌های اجتماعی داوطلبانه، اطاعت از قانون، فراگیری نحوه غلبه بر وضعیت‌های دشوار و کسب تجربه‌های سودمند شود. حاصل یک پژوهش در سال ۲۰۱۱ در کشور یادشده نشان داد که بین مشارکت قوی در ورزش و جرم‌های قشر جوان از جمله جنایت و سرقت، وجود دارد. به‌نحوی که در ازای یک درصد از این افزایش، هشت درصد از نرخ جنایت و سه درصد از نرخ سرقت از اموال کاسته شد (Caruso, 2011: 4660).

بررسی میدانی که در ایران در برهه‌های مختلف صورت گرفته است، مشابه این وضعیت را نشان می‌دهد. از باب نمونه، سهم مشارکت ورزشکاران سازمان‌یافته همگانی در سال ۱۳۸۰ نسبت به کل کشور رقم ۱/۷ درصد بوده که در سال ۱۳۹۱ به ۳/۷ درصد رسیده است. در این فاصله، بالاترین مشارکت ۴/۳ درصد و مربوط به سال ۱۳۸۸ است. البته طبق آمار، سرانه ورزشی هر نفر در سال ۱۳۵۷ که پایین‌تر از یک سانتیمتر مربع بوده است، در سال ۱۳۹۱ به هفتادوپنج سانتیمتر وسعت یافته که رشدی نسبی است. بر اساس یافته‌ها، بین هزینه ورزشی و دستگیرشدگان جرم، رابطه مستقیم و منفی وجود دارد. به این معنی که با افزایش هزینه‌های ورزشی، شمار سرقت رو به نزول گذاشته است. به‌اضافه، آشکار شد که بین نرخ عدم اشتغال و شمار سرقت‌ها

پیوند وجود دارد. این به مفهوم است که اگر سیاست‌گذاری‌ها در جهت رفع بیکاری تقویت و یا در اثنا بیکاری، مشغولیت ورزشی جایگزین می‌شد، از میزان این بزه‌کاری نیز کسر می‌گشت (Kalashi et al, 2017: 117). یافته‌های پژوهش‌های اخیر نیز نشان می‌دهد که متغیرهای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ورزشی، توسعه ورزش‌های قهرمانی، گسترش ورزش‌های همگانی و خانوادگی به ترتیب اثر مستقیم و معنی‌داری بر کنترل و کاهش جرم‌های به‌خصوص خشن در شهر تهران داشته است. متغیرهای مستقل پژوهش شده، چهل‌وچهار درصد از کل تغییرهای کنترل و کاهش جرم‌های خشن را پیش‌بینی و چشم‌انداز روشنی را برای توسعه سرمایه‌گذاری در حیطه ورزش و تخلیه هیجانی گروه‌ها و مهم‌تر از همه، نوجوانان و جوانان ترسیم کرده است (Shoaei, 2024: 101). اما محل بحث اینجاست که طبق تحقیق‌ها، درصد مشارکت مردم در فعالیت‌های بدنی و ورزشی ۴/۲ درصد است که نامطلوب و ضروری است با فرهنگ‌سازی و تجهیز مکان‌های ورزشی و تخصیص بودجه لازم رو به رشد گذارد.

گزارش‌های ملی و بین‌المللی تأییدی بر این است که در کل، شاخص‌های سلامت و نشاط در کشور ما در وضعیت درخوری قرار نداشته و در کانون انتقاد قرار داریم. گرایش به سبک زندگی کم‌تحرک، میل فزاینده به تفریح‌های مجازی، عدم رعایت فرهنگ غذایی و مشکل اضافه‌وزن، مصرف کالاهای غیراستاندارد در پیدایی این وضعیت مداخله داشته‌اند (Shoaei, 2024: 106). افزون بر این، نسبت مکان‌های ورزشی به جمعیت کشور در دهه نود، یک به سه هزار و چهارصد و سی‌وشش است و این یعنی، هر سی‌وچهار هزار و سی‌وشش نفر بهره‌مند از یک مکان خواهند بود. به‌این‌ترتیب، سرانه هر ایرانی در سال ۶/۷۴ سانتیمتر مربع است و نه بیشتر. این میزان اگرچه با قدری بهبود، اکنون به یک مترمربع رسیده است، اما توزیع آن در برخی استان‌ها همچنان پایین و با میانگین کشوری فاصله دارد؛ مانند استان اصفهان و سیستان و بلوچستان که به ترتیب حدود چهل‌ویک صدم و پنجاه‌ودو سانتیمتر مربع است (https://www.hamshahronline.ir/news/613621). این در حالی است که در ژاپن،

از تعداد سیصد و چهل و هفت هزار و سیصد و هفتاد و شش باب مکان ورزشی، هشتاد و هفت درصد آن‌ها چند منظوره و سیزده درصد نیز یک منظوره است. این کشور با سیاست چند منظوره سازی و تأکید بر برنامه‌ها و امکانات ورزشی مدرسه‌ها، از موفق‌ترین کشورها در زمینه تربیت بدنی و ورزشی همگانی بوده است. چندان‌که سرانه ورزشی این کشور برای هر فرد در سال، هشت برابر ایران است. ضمن این‌که علاوه بر کمیت، کیفیت مکان‌های ورزشی در این کشور هم برتری محسوسی نسبت به کشور ما دارد. پس از ژاپن، به ترتیب، استرالیا، لهستان و آلمان از بیشترین سرانه فضای ورزشی برخوردارند (<https://iauparandsport.blogspot.com/1387/11/04/post-2915/>).

افزون بر این، می‌توان به محدودیت‌های ورزش بانوان که علیرغم برنامه‌های تدوین شده برای بهبود آن، هنوز باقی است اشاره کرد. در کنار مقوله سرانه ورزشی و تجهیزات، تقویت فرهنگ ورزشی در سطح کلان و خرد نیز به شرح پیش گفته از جمله ضرورت‌ها است. در غیر این صورت، امکانات تدارک دیده شده، در نیل به مقصود بالا ناکافی هستند. در تأمین این هدف، آنچه نادیده انگاشتنی نیست، نقش خانواده‌ها در کنار سهم دولت است. ترویج گفتمان تفریحی، ورزشی و فراغتی خانوادگی راهبردی اساسی برای به منصه ظهور رساندن بند سوم اصل سوم قانون اساسی و پیش‌گیری از انحراف‌ها و بزه‌های اجتماعی است (Ebrahimi et al, 2022: 159). خانواده، به مثابه کوچک‌ترین نهاد اجتماعی از ویژگی‌های ساختاری و کارکردی یکتایی برخوردار است و از این‌رو، مشارکت ورزشی خانوادگی چه در درون یک خانواده و چه در قالب همراهی چند خانواده و با پشتیبانی فرهنگی و مالی دولت، از مهم‌ترین رهیافت‌های جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی است.

۳-۳. پیش‌گیری جامعه‌مدار از جرم در پرتو تعمیق دموکراسی (بندهای هفتم و

هشتم اصل سوم قانون اساسی)

آزادی بیان ناشی از دموکراسی، از چالشی‌ترین مسائل دنیای مدرن است. گرایش جوامع کنونی به احترام به این حق شهروندان هرچند با رعایت محدودیت‌های قانونی، بیش‌ازپیش است. مجرای آزادی و اندیشه‌ورزی نیز منحصر به شکل کلاسیک خود یعنی آزادی گفتار و اظهارنظر نیست و به مصداق‌های نوظهوری چون حق دسترسی آزاد به شبکه‌های خبری، ماهواره‌ای، اینترنتی، اطلاعات و فناوری‌های جدید، آزادی بیان در قالب آثار ادبی و هنری همچون نقاشی، عکس، فیلم، سینما، تئاتر، موسیقی، استقلال مطبوعات و تبلیغات تجاری تسری یافته است (ahimi, Shayganfard & Sheikh-ol-Eslami, 2024: 185-186). این‌ها همه، رهیافت‌های تحقق‌جمهوریت است که با خوانش راستین از دین نیز همسو است. چه وفق ایده جمهوری دینی، مفاهیمی چون آزادی و چندصدایی، حقوق بشر و کرامت انسانی از مؤلفه‌های تحقق عدل است (Salehi & MirMohammadSadeghi, 2024: 324). گواه روشن و غیرقابل‌انکار بر آزادی بیان، این کلام پرمغز از قرآن کریم است که می‌فرماید: «الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (آیه ۱۸ سوره زمر).

وجه جرم‌شناختی این مقوله از آن رو است که تأمین امنیت و نظم اجتماعی به همان میزان که مبنایی برای توسل به دانش جرم‌شناسی است، اساسی برای حفظ و حراست از مدنیت جامعه و نهادهای مردم‌سالاری نیز هست. به یک معنی، دموکراسی در سنجش با دیگر راهکارهای سیاسی-اجتماعی، یگانه‌تدبیری است که جرم‌شناسان را قادر خواهد ساخت تا به دور از هرگونه تهدید و تنگنایی، به شیوه علمی درباره تولد، رشد و پدیده مجرمانه و شیوه‌های رویارویی با آن در هر ساختی، تحقیق و اظهارنظر کنند. همچنین، جرم‌شناسی با احراز عنصرهای تضعیف‌کننده مردم‌سالاری و خنثی‌سازی آن‌ها، رشد دموکراتیک جامعه را تسهیل می‌کند. به هر شکل نمی‌توان انکار کرد که ریشه جرم، تنها در مسائل پزشکی، زیست‌شناختی و روان‌شناختی نهفته نیست،

بلکه نوع حکومت، ایدئولوژی حاکم و سیاست جنایی منبعث از آن نیز در قبض و بسط آن مؤثر و قابل بررسی جرم‌شناسانه است.

از این رو، چون اعتراض‌های خشونت‌آمیز نمی‌تواند جدای از بسترهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تحلیل شود، دانش جرم‌شناسی قادر نیست بدون اعتنا به این حقیقت‌ها به حیات خود ادامه داده و در مقوله علت‌شناسی جنایی، تبیینی صحیح ارائه دهد (Ebrahimi, 2020: 11). دموکراسی البته محدود به برگزیدن درست مسئولان کشوری، استانی و شهری از طریق اکثریت آرا نیست و به ساخت بندی جامعه مبتنی بر کنشگری شهروندان در اغلب رویدادها از جمله امور خیریه، مذهبی، آزادی‌های عمومی و آموزش‌های مدنی نیز ربط می‌یابد. به عبارتی، در قلمرو گسترش آزادی انتخاب و حاکمیت خرد جمعی و ظهور دولت بهزیستی^۱ و تأمین نیازهای مادی و معنوی قشرهای مختلف، ایمنی جامعه بیش‌ازپیش تضمین و به‌عنوان یک راهبرد اصلی از دامنه کژروی‌ها می‌کاهد. این نگاه در برابر جرم‌شناسی راست نو^۲ قرار دارد که با وجود اعتقاد به آزادی اراده و قدرت‌گزینش انسان‌ها در تعیین آینده خود و نوع حکمرانی، معتقد به توسل به ابزار مجازات و تهدید کیفری در پیش‌گیری عمومی و اختصاصی از بزه‌کاری در هر ساحت است (Najafi Tavana, 2023: 289)؛ بنابراین می‌توان بر این گفته صحه گذاشت که در خصوص میزان بزه‌کاری در بستر فضای سیاسی و اجتماعی و نیز پاسخ‌های سرکوبنده و پیش‌گیرنده متعاقب آن، معتبرترین و قابل‌اعتمادترین آمارها مربوط به نظام‌های برخوردار از دموکراسی پایدار مانند استرالیا و نیوزلند است (Lafree, 2012: 85). این بدان سبب است که پژوهش‌گران حوزه علوم جنایی در تحلیل علمی وقایع اجتماعی جرم‌خیز و برهم‌زننده نظم عمومی، فارغ از مرام و اعتقادات سیاسی خویش ایفای وظیفه می‌کنند. از نگاه اینان، به هر میزان که قانون‌های مصوب به‌ویژه از نوع محدودکننده آزادی، برگرفته از افکار عمومی و پیمان

1. Welfare State

2. New Right Criminology

جمعی برای تضمین امنیت و آرامش همگانی باشد، کمتر در معرض نقض از جانب مخالفان و بروز جرم قرار می‌گیرد.

در برابر، مقرره‌های فاقد مقبولیت اکثریتی، همواره در خطر نادیده انگاشته شدن از سوی قشر وسیعی از شهروندان به‌رغم تهدیدهای کیفری قرار دارند. از این‌رو، در نظام‌های مردم‌سالار به‌جز جرم‌های ذاتی و مغایر سرشت و فطرت انسان‌ها که همواره شناخت و ممنوعیت خود را حفظ کرده‌اند، دیگر رفتارهای بزهکارانه در بستر زمان و کاهش حساسیت عمومی نسبت به قبحشان می‌توانند به جرگه اعمال مباح یا انحراف تنزل یابند. شاهد مثالی این قضیه، اعتیاد به مواد مخدر، ولگردی و تکدی‌گری است که روا است پیش از هر چیز در پرتو سازوکارهای غیر کیفری توسط ارگان‌های درمانی، آموزشی و مردمی قرار گیرند. نقد وارد بر نظام کیفری ایران در این زمینه از آن‌رو است که با توجیه اهمیت جلوگیری از تحقق جرم‌های مهم، همچنان بر جرم بودن موردهای مزبور اصرار دارد. این در حالی است که این قشر از جامعه، بیش از ابزارهای سرزنش‌آمیز، نیازمند قرار گرفتن در معرض تدابیر دفاع اجتماعی و باز پذیرنده‌اند. از همین‌رو، تقویت جنبه مردم‌سالاری نظام وفق بندهای دوم و سوم قانون اساسی، دربردارنده نتیجه‌های مثبتی از جمله ایجاد فاصله بیشتر بین جرائم و اعمال مشروع با ورود بسیاری رفتارهای نامقبول به گروه انحراف‌ها است. به این ترتیب، امنیت اجتماعی را می‌بایست در درجه اعتمادی که افراد جامعه نسبت به هم و حاکمیت دارند یافت. این وضعیت که اشخاص از قوانین نهادینه شده و باورمند تبعیت کنند، سرمایه عظیمی است که ارتکاب جنایت‌های هولناک را در جامعه فرو خواهد نشاند. خاصیت مقرره‌های کیفری بازتاب یافته از دغدغه عموم و انتخاب آن‌ها از طریق نمایندگان برگزیده از این‌رو است که به درونی شدن ارزش‌های جمعی در نزد آن‌ها از یک‌سو و اشتیاقشان برای کمک به نهادهای عدالت کیفری در پیش‌گیری از وقوع جرم و شناسایی و دستگیری مجرمین از دیگر سو می‌انجامد (Ghamashi & Arefi, 2017: 90-91). سیاست جنایی مشارکتی نیز بر پایه این مسئولیت همگانی مفهومی دقیق یافته و دولت خواهد توانست با

بهره‌گیری از هیئت اجتماع به مدیریت جرم و جلوگیری از بروز آن در منطقه‌ها و محله‌های شهری پیردازد (Vahidi et al, 2021: 32). کما این‌که این مهم، در آموزه‌های دینی نیز در پرتو نهادهایی نظیر امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح ذات‌البین، شورا، تعاون در خیر و نیکی نیز جلوه کرده است (Haji Dehabadi, 1999: 79).

۳-۴. پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه (بند دوازدهم اصل سوم قانون اساسی)

با توجه به وضعیت معماگونه جرم، برنامه‌های پیشگیری از آن، به مناسبت، متفاوت و متضمن هزینه‌های خاص خود است. با وجود این، هدف تمامی این برنامه‌ها افزایش رفاه جامعه با کاستن از میزان بزهکاری است. به یک معنی، هدف اصلی، کاهش هزینه اجتماعی جرائم و هزینه منابع جامعه است (Babaei & Ansari, 2014: 32). در چارچوب پیش‌گیری جامعه مدار از جرم، بین سامان‌دهی مسائل اقتصادی جامعه و هریک از شهروندان در تقلیل گرایش آن‌ها به شکستن قانون، ایجاد بی‌نظمی و سلب امنیت، رابطه معنی‌داری حاکم است. چه، اگر نه همه، بلکه شمار درخوری از افراد تحت فشار ناشی از ضعف مالی ریشه در فقر، بیکاری یا عدم تکاپوی درآمد ناشی از اشتغال برای پوشش هزینه‌های معمول، گرایشی این‌چنین خواهند داشت. از همین رو، نویسندگان قانون اساسی با توجه به نقش اساسی سیاست‌های اقتصادی در مهار میزان بزهکاری، شماری از اصل‌های آن را به آن اختصاص داده‌اند. از جمله اصل سوم که در بند دوازدهم آن بر تأسیس اقتصاد با مبنا و عادلانه در جهت رفاه، رفع فقر و زدودن محرومیت در زمینه‌های مختلفی چون مسکن، تغذیه، کار، بهداشت و تعمیم بیمه تأکید ورزیده است. در کنار این، اصل‌های دیگری نیز در این چارچوب تنظیم شده تا دلالتی بر اهمیت موضوع باشد؛ مانند اصل بیست و هشتم که اشعار می‌دارد: «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل گوناگون ایجاد نماید». یا

اصل سی و یکم که بیان می‌دارد: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است و دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند، به‌خصوص روستاییان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند». همین‌طور، اصل چهل و سوم که به ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادگی او تصریح و از حیث مصداقی به مقوله‌هایی چون تأمین مسکن، خوراک، پوشاک، فراهم بودن شرایط و امکانات کار برای عموم به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کسب ثروت در اختیار همه اولویت داده است.

انعکاسی از اصل‌های بالا به‌خصوص اصل سوم را می‌توان در ماده (۴) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۸۳ ملاحظه کرد که بر هماهنگی بخش‌های مختلف دولت در راستای پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی، حمایت از افراد جامعه در برابر رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و پیامدهای سوء آن‌ها در زمینه بیکاری، بی‌سرپرستی، تأمین حداقل‌های زندگی برای همگان و به‌خصوص خانواده‌های کم‌برخوردار، پرداخت مقرری برای افراد جویای کار به شکل مداوم، تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های بی‌سرپرست، فراهم‌سازی امکانات، آموزش باز توانی و ایجاد مهارت‌های شغلی قشرهای نیازمند اصرار ورزیده است.

نظریه‌پردازان در تبیین عامل‌های اجتماعی جرم‌زا، مطالعه دامنه‌داری در حوزه اقتصاد اعم از خرد و کلان در سه محور داشته‌اند. نخست؛ برآورد هزینه - فایده برای انجام جرم در بستر نظریه انتخاب عقلانی (گفتمان اقتصاد خرد). دوم؛ نقش مؤلفه‌های اقتصادی نظیر فقر، بی‌شغلی، تورم لجام‌گسیخته (گفتمان اقتصاد کلان). سوم؛ نابرابری‌های اقتصادی و طبقاتی، تراکم جمعیت، صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی (گفتمان اقتصاد کلان). به این ترتیب، برخلاف تبیین‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و حتی اجتماعی غیراقتصادی از جرم که در سطح خرد یا متوسط قرار دارند، تبیین‌های اقتصادی از این پدیده، چند سطحی و چند رویکردی است (Nowghani Dokht & Behmani & MirMohammadtabar, 2014: 86-87). نظریه عقلانی جرم اشاره به این

حقیقت دارد که در بزنگاه تصمیم‌گیری بین فعالیت مشروع و نامشروع، افراد به عقلانیت خویش و سنجش مضار و منافع محتمل رجوع می‌کنند. در فضای اقتصادی، آنچه می‌تواند آن‌ها را از ارتکاب بزه منصرف یا کم انگیزه نماید، ایجاد رفاه مناسب برای تأمین حداقل‌های زندگی شرافتمند است (Dargahi & Beiranvand, 2019: 13; Abbasnejad et al, 2014: 76). برابر نظریه نخست مرتون، فقدان ابزارهایی مانند اشتغال یا در دسترس همگان نبودن آن‌ها برای نیل به هدف‌های مشروع، بستر تمایل برخی از افراد را به تمسک به طریق‌های مجرمانه فراهم می‌کند. نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و قرار نگرفتن ابزارهای پیشرفت در نزد همه توده‌ها، کنش‌های متعددی از جمله جرم را برمی‌خیزد.

از منظر جرم‌شناسی مارکسیستی، نقص پتانسیل مالی طیف‌هایی از شهروندان، کنار گذاشتن قشر متوسط از چرخه تولید و انباشت بیشتر ثروت اجتماع در سیطره معدودی صاحب قدرت، اوضاع را برای ارتکاب گونه‌های جرم مساعد می‌کند (Niazpour, 2014: 97). نظریه انتخاب عاقلانه اما بین دو الگوی ایستا و پویا تفکیک قائل است. در الگوی نخست، شهروندان بین هزینه و فایده جرم در یک برهه به قضاوت می‌نشینند و در الگوی دوم، انتخاب آن‌ها از رهگذر سنجش و مقایسه بین چند دوره قطعی می‌شود (Eide, 2000:380). در نظریه رادیکال اقتصاد سیاسی جرم نیز، آنچه تبیین‌کننده واقعی جرم و شکل‌دهنده تصمیم شهروند در ارتکاب آن است، عامل‌های به هم وابسته و درهم‌تنیده‌ای مانند محرومیت نسبی، فقر، نابرابری، بیکاری و عنصر طبقه است. عامل محرومیت نسبی به تبعیض‌های ناروای کسب ثروت بین گروه‌های مختلف جامعه گره خورده است. وضعیتی که میان انتظارات ارزشی (خواسته‌ها) و توانایی‌های ارزشی (داشته‌ها) افراد فاصله ایجاد و برای برخی، از میان برداشته شدن آن با ارتکاب جرم و فعالیت‌های غیرمجاز ممکن می‌نماید. زمانی که برنامه‌های سترگ دولت با محوریت بهبود شرایط اقتصادی توده‌های فرودست تنظیم و به موقع اجرا درآید، امید می‌رود به تنزل مشارکت آن‌ها در کنش‌های مجرمانه بینجامد (Najafi Abrandabadi, 2012: 43).

بیکاری و محرومیت و فقر منتج از آن نیز به تضادها دامن زده و هزینه فعالیت‌های ممنوع و کیفر آن‌ها را کم می‌کند. بدین گونه، نداشتن شغل و منبعی برای درآمد و تأمین نیازمندی‌ها، عامل مؤثری در ورود به اعمال مجرمانه، به‌ویژه از سوی جوانان آینده دار است. تورم هم از اصلی‌ترین متغیرهای ایجاد و گسترش نابرابری اقتصادی در بین افراد جامعه و انگیزه‌بخش برخی برای دست زدن به جرم برای مهار این پدیده است. وضعیت بغرنج‌تر، هم‌پوشی تورم با پدیده بیکاری، موسوم به رکود تورمی است. در این صورت، بحران اقتصادی در زندگی افراد، بغرنج و بیش از هر زمان تهدید کننده است (Yahyaei Dizaj et al, 2011: 174). مثبت بودن رابطه بیکاری و جرم، محدود به جرم‌های علیه اموال مثل سرقت نیست، بلکه به دیگر حوزه‌ها مانند جرم‌های علیه اشخاص اعم از قتل و کمتر از آن نیز قابل تسری است. از این‌رو، برنامه‌های اقتصادمحور حاکمیت و بخش خصوصی فعال در عرصه اشتغال و تولید، می‌تواند ضمن ایجاد فرصت‌های جذب ثروت برای افراد، از دامن زدن به شکاف میان فعالان و قشرها جلوگیری و از میزان توسل به جرم برای پر کردن این خلأ بکاهد؛ اما ارتباط بین کردارهای بزهکارانه و تضاد طبقه‌ها و به عبارتی فاصله‌گذاری و تبعیض بین دسته‌های دارا و ندار نیز چالش همه دوره‌ها به گواهی تاریخ است. در این گیرودار، طبقه فرودست و به اصطلاح یقه آبی‌ها در مظان ارتکاب رفتارهایی مثل دزدی شبانه، دستبرد در خیابان و در مقابل، طبقه فرادست، موسوم به یقه‌سفیدها، مستعد انجام بزه‌های سنگینی مانند کلاه‌برداری، اعمال نفوذ، اختلاس از بانک‌ها، جرم‌های مالیاتی و حتی جنایت برای ساکت کردن قربانی جهت عدم دستگیری خود خواهند بود (Yahyaei Dizaj et al, 2011: 180).

پیش‌گیری جامعه مدار در حوزه اقتصادی از بعد ملی، و رای تأمین توان مالی شهروندان برای داشتن زندگی بهتر، در مهار یا کاهش جرم‌های موسوم به اقتصادی مؤثر است؛ زیرا یکی از خطرناک‌ترین جرم‌های علیه امنیت اقتصادی مردم و بسا امنیت کشور، رفتارهایی از این دست است که نه‌تنها به لحاظ فردی انسان‌های مستأصل را به

سمت تباهی و ارتکاب فسادهای مالی و غیرمالی رهنمون می‌سازد، بلکه توسعه و شکوفایی اقتصادی کشور را با چالش روبرو می‌کند. البته در مفهوم دقیق جرم‌های اقتصادی، نظام کیفری ما با خلأ قانونی روبرو است و تنها مصداق‌هایی مناقشه آمیز از آن‌ها را تعیین و معرفی کرده است؛ مانند موردهای ذکر شده در تبصره ماده (۳۶) قانون مجازات اسلامی که مشتمل بر کلاه‌برداری، رشا، ارتشا، اختلاس، اعمال نفوذ، مداخله وزرا، نمایندگان و کارمندان دولتی در معامله‌های دولتی، تبانی در معامله‌های خارجی، جرم‌های گمرکی، قاچاق کالا، پول‌شویی و اخلال در نظام اقتصادی کشور و تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی است. در مجموع می‌توان جرم‌های اقتصادی را ناظر به اعمالی دانست که با قصد یا با علم به ضربه زدن بر تمامیت اقتصاد کشور و چرخه تولید و توزیع صورت پذیرفته یا در عمل به این نتیجه ختم می‌شود (MirMohammadSadeghi & Soltani Renani, 2023: 39). باری، یک نظام اقتصادی هم می‌تواند در پرتو اصول علمی و کارشناسی، قاعده‌مند و به اصطلاح سالم و موجب رفاه و تعالی فردی و اجتماعی باشد و هم ممکن است در پس نا تدبیرها، سیاست‌گذاری‌های غیر فنی، مدیریت‌های غیر تخصصی و وجود تعارض منافع، روندی مخرب داشته باشد (Aliakbari & Shakeri, 2022: 4). هدف‌گذاری برای تحقق اقتصادی از نوع نخست، دغدغه آموزه‌های اسلامی نیز است. چندان‌که از نگاه شهید مطهری، اقتصاد اسلامی باید قائم به ذات و بی‌عیب و غیر قائم به غیر باشد (Motahari, 2021: 21).

آثار سوء جرم‌های اقتصادی، نظام کیفری ایران را به واسطه آنچه حق بر امنیت به مفهوم وسیع (جانی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) نامیده می‌شود، به اتخاذ رویکرد امنیت گرا در هر دو حوزه ماهوی و شکلی در تقابل با آن سوق داده است. تردیدی نیست که یکی از مصداق‌های شاخص امنیت اجتماعی، همانا امنیت اقتصادی و ارزش‌های این قلمرو است. جلوه‌های سخت‌گیری کیفری ناظر به این حوزه را می‌توان در جرم‌انگاری‌ها و کیفر گذاری افتراقی از جمله در قانون تشدید مجازات

مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، آیین‌نامه‌ای شدن دادرسی کیفری، تعیین ضابطان خاص برای کشف و انجام تحقیق به دستور دادسرا و اختصاصی شدن رسیدگی‌ها و توسعه صلاحیت دادگاه انقلاب در ورود به این مقوله مشاهده کرد (MirMohammadSadeghi & Soltani Renani, 2023: 13-14).

نکته پراهمیت‌تر، سازوکارهای پیش‌گیری از این دسته از جرم‌ها به‌خصوص از ناحیه مقام‌ها و صاحب‌منصبانی است که بیش از دیگر مستعد ارتکاب آن‌ها هستند. از همین رو، اصل چهل و دوم قانون اساسی به‌صراحت، دارایی رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزرا و همسر و فرزندان آن‌ها را پیش و پس از تصدی سمت، توسط رئیس قوه قضاییه قابل رصد دانسته تا مبدا به نحو نامشروع فزونی یافته باشد. در گامی روبه‌جلو، ماده (۳) قانون رسیدگی به دارایی مقام‌ها، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۹۴، افراد تحت شمول را وسیع‌تر از اصل بالا خطاب قرار داده است.^۱ گذشته از تدبیرهایی همچون شفاف‌سازی، اجبار به اعلام دارایی‌ها، گزارش

۱. این افراد عبارت‌اند از: ۱. نمایندگان مجلس خبرگان رهبری؛ ۲. اعضای مجلس تشخیص مصلحت نظام؛ ۳. مقامات منصوب از سوی رهبری؛ ۴. اعضای شورای نگهبان؛ ۵. نمایندگان مجلس شورای اسلامی و معاونان رئیس مجلس و مدیران کل مجلس؛ ۶. معاونان رئیس قوه قضائیه و رؤسای سازمان‌ها و دستگاه‌های وابسته به این قوه و معاونان و مدیران کل آنان؛ ۷. دادستان کل کشور، رئیس دیوان عالی کشور و رئیس دیوان عدالت اداری و رؤسای کل دادگستری استان‌ها و معاونان همه آن‌ها و سایر دارندگان پایه قضایی؛ ۸. مشاوران سران سه قوه؛ ۹. رؤسای دفاتر سران سه قوه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۰. دستیار ارشد رئیس‌جمهور، معاونان وزرا و مدیران کل و هم‌ترازان آن‌ها؛ ۱۱. دبیران شورای عالی امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیئت دولت، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی؛ ۱۲. رئیس و دادستان دیوان محاسبات کشور، معاونان آنان و اعضای هیئت مستشاری؛ ۱۳. رئیس، قائم‌مقام، معاونان و دبیر کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۴. رؤسا و معاونان سازمان‌ها و مؤسسات دولتی، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و مدیران کل آن‌ها؛ ۱۵. فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح از درجه سرتیپ تمام و بالاتر و هم‌ترازان آن‌ها و رؤسای کلاتری؛ ۱۶. مدیران عامل، اعضای هیئت‌مدیره بیمه‌ها، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها، رؤسای مناطق و رؤسای شعب ارزی و ویژه و سرپرست‌های مناطق؛ ۱۷.

دهی و نظارت و کنترل مستمر که ناظر به پیش‌گیری وضعی از وقوع این جرم‌ها است، در زمینه پیش‌گیری اجتماعی از بروز این رفتارها که اهمیتی به مراتب چشم‌گیرتر دارد، می‌توان به کلیه راهبردهایی اشاره کرد که به تقویت بازدارندگی درونی و وجدانی کارکنان و مقام‌ها و خویشن‌داری آن‌ها در برابر وسوسه‌های مالی می‌انجامد. بدیهی است که این فرآیند از سلسله مراتبی برخوردار و مشتمل بر پیش‌بینی معیارهای گزینش و جذب افراد پاک دست، آموزش مستمر آن‌ها و رهنمون شدنشان به رعایت هنجارهای اخلاقی و اجتماعی است.

در این پرتو، ماده (۱۳) کنوانسیون مریدیا مقرر می‌دارد: «هر کشور عضو در چارچوب امکانات خود و طبق اصول اساسی قانون داخلی خود، اقدام‌های مقتضی را به عمل خواهد آورد و سازمان‌های جامعه مدار را جهت جلوگیری و مبارزه با فساد ارتقا دهد و آگاهی عمومی را در رابطه با وجود، علل و شدت و تهدید فساد ارتقا دهد. مشارکت باید با انجام اقدام‌هایی مانند موردهای زیر تقویت شود: الف) ارتقای شفافیت و مشارکت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری؛ ب) تضمین این امر که مردم دسترسی مؤثر به اطلاعات دارند؛ پ) انجام فعالیت‌های مربوط به اطلاع‌رسانی همگانی که به عدم تحمل فساد و نیز برنامه‌های آموزشی مردمی از جمله ارتقا و حمایت از آزادی جهت یافتن، نشر و توزیع اطلاعات مربوط به فساد». پیش‌تر نیز، سازمان شفافیت بین‌المللی با هدف ایجاد جهانی عاری از فساد در سال ۱۹۳۳ در شهر برلین تأسیس و با داشتن یک‌صد و

رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار و معاونان وی، رؤسای بورس‌های تخصصی، مناطق و فرا بورس؛ ۱۸. رئیس اعضای هیئت عامل صندوق توسعه ملی؛ ۱۹. استانداران و معاونان آنان، فرمانداران، شهرداران و اعضای شورای شهر تمام شهرها و شهرداران مناطق کلان‌شهرها و معاونان آن‌ها؛ ۲۰. سفرا و کارداران، سرکنسول‌ها و مسئولان حفاظت منافع و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج کشور؛ ۲۱. نمایندگان دولت در مجامع عمومی، هیئت‌مدیره، هیئت امناء و مدیرعامل شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی؛ ۲۲. اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل و بازرسان مناطق ویژه و مناطق آزاد تجاری و معاونان آنان؛ ۲۳. رئیس سازمان امور مالیاتی کشور، معاونان، مدیران کل و سر ممیزین؛ ۲۴. رئیس کل گمرک و معاونان وی و مدیران کل گمرک و رؤسای گمرکات کشور.

هشتاد عضو همه‌ساله، شاخص‌های ادراک فساد (CPI) را که نمره فساد کشورها را که عددی بین صفر (ناظر به بالاترین فساد درک شده) و صد (ناظر به کمترین فساد درک شده) است را اعلام می‌کند. این نوع پیش‌گیری از آن رو که هزینه کمتری نسبت به سایر پیش‌گیری‌ها به‌خصوص از نوع کیفری برای جامعه و دولت دارد و از سویی کاهنده بار دستگاه قضا است، بیش‌ازپیش در دستور کار سیاست‌گذاری‌های عمومی قرار گرفته و مصوبه‌هایی را مانند قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد (۱۳۹۰) به همراه داشته است (Sabzeali et al, 2021: 196).

فرجام سخن

جامعه به دو شکل واکنشی و کنشی در برابر جرم تدبیر نشان داده و درصدد مهار آن برمی‌آید. با این حال، به سبب تقدم پیشگیری بر درمان، کاربست تدابیر و سازوکارهای خارج از چارچوب نظام کیفری در شکل دوم مواجهه، پشتوانه‌ای جرم‌شناختی داشته و در درجه نخست اهمیت قرار می‌گیرد. از همین رو، آیین‌ها و راه‌حل‌های ناظر بر این بعد از سیاست‌جنایی در برخی از اصول قانون اساسی پیش‌بینی شده‌اند تا مؤید جنبه بنیادین و اولویت‌دار آن باشند. در ادامه، کلیه مقررات عادی - از جمله قانون پیشگیری از جرم - به لحاظ شکلی و ماهوی، دربردارنده جزئیاتی ذیل خط‌مشی قانون اساسی هستند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، در میان اصول متعدد برخوردار از طیفی از تدابیر غیر کیفری برای پیشگیری اجتماعی از جرم در این سند بالادستی، اصل سوم کمتر موردتوجه عمیق پژوهشگران قرار گرفته است. از جمله درایت‌های پیشگیرانه این اصل، رسانه است که ظرفیت بالایی برای آگاه‌سازی اقشار مختلف جامعه در سطح ملی و محلی نسبت به پیشگیری از جرم دارد. بر همین اساس، در ماده (۲) قانون پیشگیری از جرم، رئیس سازمان صداوسیما در زمره اعضای شورای عالی پیشگیری از جرم پیش‌بینی شده است. سیاست کلان در تولید برنامه‌های آموزشی رسانه‌ای، با تقویت فرهنگ قانون‌مداری و ترویج حل‌وفصل اختلاف‌ها از طریق گفت‌وگو و میانجی‌گری

محلی، می‌تواند سهم بسزایی در این زمینه ایفا کند. پیش‌شرط تحقق این مهم، اتخاذ رویکردی است که موجب اقبال شهروندان - به‌ویژه نوجوانان و جوانان - به رسانه ملی شود؛ امری که در سال‌های اخیر کمرنگ شده است.

فعالیت‌های ورزشی و تربیت‌بدنی رایگان نیز از دیگر ایده‌های اصل سوم است که کارکرد پیشگیرانه دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد ورزش با کاهش هیجان‌های منفی، تقویت هویت، ارتقای کنترل اجتماعی، جامعه‌پذیری، ایجاد تغییر مثبت، بیداری و آگاهی جمعی و همچنین افزایش موفقیت، هفت کارکرد اصلی در کاهش وقوع جرم و کج‌روی اجتماعی دارد. به‌طور کلی، ورزش به فرایند جامعه‌پذیری کمک کرده و میان صرف زمان برای فعالیت‌های ورزشی و پرهیز از انحراف‌هایی همچون مصرف الکل و مواد مخدر، همبستگی معناداری وجود دارد. با این وجود، جایگاه وزیر ورزش در شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم پیش‌بینی نشده است؛ امری که خلأ آن محسوس است.

از سوی دیگر، دموکراسی پویا - در معنای موردنظر اصل سوم مبنی بر مشارکت دائمی مردم در تصمیم‌گیری‌ها و قانون‌گذاری - ارتباطی روشن با پیشگیری اجتماعی از جرم دارد و با مبانی جرم‌شناسی نیز سازگار است. علت شناسی نقض قوانین کیفری و ارائه راهکارهای علمی برای ممانعت از آن، نیازمند آمار جنایی دقیق است و تجربه کشورهایی که از دموکراسی برخوردارند نشان می‌دهد معتبرترین آمارها برای سیاست‌گذاری پیشگیرانه در اختیار متخصصان و دولت قرار می‌گیرد. آزادی‌های مدنی نیز در پرتو دموکراسی، شکاف میان مردم و حاکمیت را کاهش داده و وقوع جرم را در سطحی منطقی پایین می‌آورد.

همچنین، اقتصاد سالم موردنظر اصل سوم، با رفاه عمومی و کاهش انواعی از جرائم پیوند مستقیم دارد. هرچند بسته به ماهیت هر نظام اقتصادی، فسادهای مرتبط می‌تواند ساختار جامعه و سیستم مالی را تهدید کند، اما کاهش تصدی‌گری دولت در اقتصاد و سوق دادن آن به نقش‌های نظارتی و حمایتی غیرسیاسی و غیرامنیتی، می‌تواند راهکاری برای تنظیم بازار، افزایش تولید، ساخت مسکن، مهار تورم و تأمین نیازهای عمومی باشد.

- درنهایت، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اقدام‌های زیر می‌تواند در تقویت پیشگیری اجتماعی مبتنی بر تدابیر اصل سوم مؤثر واقع شود:
- دگرگونی در مدیریت کلان پیشگیری غیر کیفری از جرم - به‌ویژه پیشگیری اجتماعی - و انتقال آن از قوه قضائیه به قوه مجریه به سبب اشراف بیشتر این قوه بر عوامل جرم‌زا و برخورداری از اختیارات کافی برای اقدامات کنشی؛ و به‌تبع آن، واگذاری ریاست شورای عالی پیشگیری از جرم در سطح ملی و استانی به ترتیب به وزیر کشور و استاندار.
 - تقویت حضور نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد در شورا و اعطای حق رأی به آنان، همچنین پیش‌بینی عضویت نهادهای مرتبط با خطر وقوع جرم مانند سازمان ملی جوانان و ستاد مبارزه با مواد مخدر.
 - فراهم کردن بستر رشد دموکراسی برای تقویت آزادی عمل محققان نوگرا - به‌ویژه جرم‌شناسان انتقادی - در علت‌شناسی جرم‌زایی حکمرانی و ارائه تدابیر اصلاحی جامعه‌مدار در تمامی مراحل خط‌مشی‌گذاری، با هدف افزایش مشارکت مردمی در سیاست‌های راهبردی پیشگیرانه.
 - بهره‌گیری از تجربه کشورهای دیگر در شناسایی سازوکارهای پیشگیری اجتماعی، ازجمله ارتقای سطح آموزش درباره نحوه استفاده صحیح از رسانه‌ها و فضای مجازی برای کودکان و نوجوانان، با همکاری آموزش و پرورش و اندیشمندان این حوزه.
 - برگزاری کارگاه‌های آموزشی منظم درباره پرهیز از رفتارهای پرخطر در محیط‌های آموزشی مانند مدارس، به‌منظور ارتقای فرهنگ قانون‌مداری و احترام به ارزش‌های اجتماعی در میان دانش‌آموزان.
 - تکیه بر آمارهای دقیق و حمایت از مراکز تولید داده و اطلاعات مرتبط با پیشگیری اجتماعی از جرم.

منابع

- ابراهیمی، سعید. (۱۳۹۹). *جرم‌شناسی جنیش‌های اجتماعی* (چاپ اول). تهران: نشر میزان.
- ابراهیمی، محمد؛ فهیم‌دوین، حسین؛ اسماعیلی زاده غنדהاری، محمدرضا؛ و پیمانیزاد، حسین. (۱۴۰۱). *آزمون مدل شاخص‌های راهبردی مؤثر بر مشارکت بخش خصوصی در توسعه ورزش همگانی کشور. فصلنامه پژوهش در تربیت‌بدنی*، ۱۰ (۲۷)، ۱۵۵-۱۸۴.
- احمدی مقدم، محمد؛ اسماعیلی، مرتضی؛ و حاجی‌تبار، حسن. (۱۳۹۸). *مبانی پیشگیری از جرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی حقوق ایران و بین‌الملل*، ۱۲ (۴۶)، ۲۸۵-۳۰۶.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۴۰۲). *اصول کلی حقوق جزا* (چاپ نهم). تهران: نشر میزان.
- ایرج گلدوزیان؛ و جلالی، نگار. (۱۳۹۷). *پیشگیری از بزهکاری اطفال با تأکید بر نقش آموزش. فصلنامه مطالعات حقوقی*، ۲۷، ۲۳-۳۶.
- بابایی، محمدعلی؛ و انصاری، الهام. (۱۳۹۳). *تحلیل اقتصادی پیشگیری از جرم. فصلنامه مطالعات حقوقی*، ۶ (۱)، ۶۰-۳۱.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی. (۱۳۷۸). *امربه‌معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی. فصلنامه فقه و حقوق*، ۱، ۶۱-۳.
- خطیبی، علیرضا؛ احمدی، محمدصادق؛ و شیخ‌الاسلامی، علی. (۱۳۹۷). *الزامات نهادهای دولتی در پیشگیری از جرم. فصلنامه بررسی سیاست خارجی ایران*، ۷ (۱)، ۵۳-۸۴.
- درگاهی، حمید؛ و بیرانوند، علی. (۱۳۹۸). *عوامل مؤثر بر جرائم مالی در ایران با تأکید بر چرخه‌های تجاری و آسیب‌های اجتماعی. فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۹ (۳۵)، ۱۵۳-۱۲۷.
- عباس‌نژاد، حمید؛ صادقی، مهدی؛ و رضانی، حسین. (۱۳۹۳). *رابطه جرائم اقتصادی و متغیرهای اقتصادی در ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه*، ۱۹ (۳)، ۹۱-۶۹.
- علی‌اکبری، رضا؛ و شکری، یاسر. (۱۴۰۱). *بررسی اجرای اقدامات اقتصادی و پیشگیری اجتماع‌محور از جرائم اقتصادی. فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر*، ۳ (۱)، ۱-۱۶.
- علیوردینی، احمد. (۱۳۹۳). *مدیریت پیشگیری از جرم در ایران. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۲ (۸)، ۵۸-۳۷.
- غلامی، محمد. (۱۴۰۰). *امکان‌سنجی نقش رسانه‌های جمعی در پیشگیری یا تسهیل جرم. فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های رسانه*، ۴ (۳۳)، ۱۵۳-۱۳۵.

- قماش، سمیه؛ و عارفی، مجید. (۱۳۹۶). موانع سیاسی و اقتصادی پیشگیری اجتماعی از جرم. فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳، ۸۵-۱۱۳.
- کلاشی، مهدی؛ حسینی، سید احسان؛ و رجایی، محمدحسین. (۱۳۹۶). نقش ورزش در نرخ جرم و بزهکاری در ایران (۱۳۹۱-۱۳۷۴). فصلنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، ۱۷ (۳۲)، ۱۱۵-۱۲۴.

References

- Abbasnejad, H., Sadeghi, M., & Ramazani, H. (2014). The relationship between economic crimes and economic variables in Iran. *Scientific-Research Quarterly of Planning and Budgeting*, 19(3), 69-91. <http://jpbud.ir/article-1-904-fa.html> [In Persian]
- Ahmadi Moghadam, M., Esmaeili, M., & Hajitabar, H. (2019). The foundations of crime prevention in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Iranian & International Comparative Legal Research Quarterly*, 12(46), 285-306. <https://srb.sanad.iau.ir/fa/Article/1058594?FullText=FullText> [In Persian]
- Aliakbari, R., & Shakeri, Y. (2022). A study of the implementation of economic measures and community-oriented prevention of economic crimes. *Contemporary Legal Thought Quarterly*, 3(1), 1-16. <https://ensani.ir/fa/article/552819> [In Persian]
- Alivardinia, A. (2014). Crime prevention management in Iran. *Strategic and Macro Policies Quarterly*, 2(8), 37-58. https://www.jmsp.ir/article_7769.html [In Persian]
- Ardebili, M. A. (2023). *General principles of criminal law* (9th ed.). Tehran: Mizan Publishing. [In Persian]
- Babaei, M.-A., & Ansari, E. (2014). Economic analysis of crime prevention. *Legal Studies Journal*, 6(1), 31-60. <https://doi.org/10.22099/jls.2014.2040> [In Persian]
- Caruso, R. (2011). Crime and sport participation: Evidence from Italian regions over the period 1997-2003. *The Journal of Socio-Economics*, 40(5), 455-463. <https://doi.org/10.1016/j.socec.2010.09.003>
- Dargahi, H., & Beiranvand, A. (2019). Factors affecting financial crimes in Iran with emphasis on business cycles and social harms. *Iranian Journal of Applied Economic Studies*, 9(35), 127-153. https://aes.basu.ac.ir/article_3456.html [In Persian]
- Ebrahimi, M., Fahimduin, H., Esmaeilzadeh Ghondahari, M. R., & Peymanizad, H. (2022). Testing the model of strategic indicators affecting private sector participation in the development of public sports

- in the country. *Research in Sport Pedagogy*, 10(27), 155–184. https://res.ssrc.ac.ir/article_2778.html [In Persian]
- Ebrahimi, S. (2020). *Criminology of social uprisings* (1st ed.). Tehran: Mizan Publishing. [In Persian]
- Eide, E. (1997). Economics of criminal behavior: Survey and bibliography. *Encyclo-Pedia of law & Economics*, (8100), 346-389. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=10464
- Ghamashi, S., & Arefi, M. (2017). Political and economic barriers to social crime prevention. *Criminal Law Teachings*, 13, 85–113. https://cld.razavi.ac.ir/article_621.html [In Persian]
- Gholami, M. (2021). Feasibility study of the role of mass media in crime prevention or facilitation. *Quarterly Journal of Media Studies and Research*, 4(33), 135–153. <https://www.sid.ir/paper/1045890/fa> [In Persian]
- Goldouzian, I., & Jalali, N. (2018). Prevention of juvenile delinquency with emphasis on the role of education. *Law Studies Quarterly*, 27, 23–36. <https://jlawst.ir/article-1-875-fa.pdf> [In Persian]
- Haji Dehabadi, M. A. (1999). Enjoining good and forbidding evil and criminal policy. *Journal of Jurisprudence and Law*, 1, 3–61. <https://ensani.ir/fa/article/66026> [In Persian]
<https://iauparandSPORT.blogspot.com/1387/11/04/post-2915/>
<https://www.hamshahrionline.ir/news/613621>
- Kalashi, M., Hosseini, S. E., & Rajaei, M. H. (2017). The role of sports on crime and delinquency rates in Iran (1995–2012). *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 17(32), 115–124. https://msb.journals.umz.ac.ir/article_3156.html [In Persian]
- Khatibi, A., Ahmadi, M.S., & Sheikholeslami, A. (2018). Governmental institutions' obligations in crime prevention. *Iranian Review of International Politics*, 7(1), 53–84. <https://doi.org/10.22067/jipr.v7i1.70301> [In Persian]
- Lafree, G. (2012). *Criminology and democracy* (A. Kordpour, Trans.). *Encyclopedia of Law and Politics*, 18. [In Persian]
- Malakouti, N., & Mohseni, F. (2023). Community-based prevention of juvenile delinquency in virtual educational environments (with an emphasis on criminological findings). *Judicial Law Perspectives Quarterly*, 28(102), 207–234. <https://doi.org/10.22034/jlvi.2024.1998625.0> [In Persian]
- Mansour Abadi, A., & Ebrahimi, Sh. (2008). Developments in crime prevention management. *Crime Prevention Studies*, 8, 6–38. <https://www.sid.ir/paper/469133/fa> [In Persian]

- MirMohammadSadeghi, H., & Soltani Renani, A. (2023). Iran's security-oriented criminal policy toward economic crimes: Foundations and manifestations. *Journal of Economic and Commercial Law Research*, 4, 11–41. https://ecocomlaw.sbu.ac.ir/article_104299.html [In Persian]
- Mohammadi, S., Bijani Mirza, T., & Hatami, M. (2018). The role of family, school, and media in crime prevention with emphasis on international standards governing states' obligations to educate. *Scientific-Research Quarterly of Teaching Research*, 6(4), 233–254. https://trj.uok.ac.ir/article_61040.html [In Persian]
- Motahari, M. (2021). *An overview of the foundations of Islamic economics*. Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Najafi Abrandabadi, A. H. (2012). *Lecture notes on sociology of crime*. Faculty of Law, Shahid Beheshti University. [In Persian]
- Najafi Abrondabadi, A.H. (2014). An introduction to the constitutionalization of criminal law: in pursuit of public law. Tehran: Jangal Publications. [In Persian]
- Najafi Tavana, A. (2023). *Criminology* (3rd ed.). Tehran: Avaye Hekmat Publishing. [In Persian]
- Niazpour, A. H. (2014). Constitutionalization of crime prevention rights in Iran. *Criminal Law Research Journal*, 2(6), 91–111. https://jclr.atu.ac.ir/article_662.html [In Persian]
- Nowghani Dokht Behmani, M., & MirMohammadtabar, S. A. (2014). A meta-analysis of economic factors affecting crime in Iran. *Strategic Research on Security and Social Order*, 4(3), 85–102. https://ssoss.ui.ac.ir/article_17138.html [In Persian]
- “Our Organization-over” Transparency International e. V, September 14, 2020, www.transparency.org
- Rahimi, M., Shayganfard, M., & Sheikh-ol-Eslami, A. (2024). Challenges of Iran's criminal law regarding citizens' freedom of expression. *Legal Studies Journal*, 16(2), 145–190. <https://doi.org/10.22099/jls.2023.44568.4792> [In Persian]
- Rahiminejad, E. (2023). *Criminology* (4th ed.). Tehran: Foroozesh Publishing. [In Persian]
- Rahiminezhad, E., Aghayari, M., & Gholipour, Gh. (2025). Neutralization theory of crime and its relation to restorative justice. *Criminal Law Research*, 3(11), 85–112. https://jclr.atu.ac.ir/article_1446.html [In Persian]
- Sabzeali, R., Sarami, S., & Ashrafi, M. (2021). Prevention of financial crimes and unjust enrichment of government officials. *Journal of Legal Research*, 20(45), 185–208. https://jlr.sdil.ac.ir/article_129116.html [In Persian]

- Sadeghnejad Naeini, M. (2022). Criminology of corporate crimes. Tehran: Research Institute of Judiciary. [In Persian]
- Salehi, H., & MirMohammadSadeghi, M. (2024). Legislation in a religious republic. *Legal Studies Journal*, 16(4), 315–345. <https://doi.org/10.22099/jls.2024.49195.5083> [In Persian]
- Shiri, A. (2017). Review and critique of the Crime Prevention Act of 2015. *Rahyaft-e Pishgiri (Prevention Approach)*, 1, 8–18. http://journals1.jri.ac.ir/article_189185.html [In Persian]
- Shoaei, M. (2024). Analysis and identification of the role of sports strategies in preventing violent crimes in Tehran. *Detective Quarterly*, 62, 101–113. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2050882> [In Persian]
- Taghipour, A. (2019). Non-criminal prevention of crime in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Danesh-e Omoumi Quarterly*, 8(24), 1–18. <https://doi.org/10.22034/qjplk.2019.170> [In Persian]
- Taheri Kia, H. (2014). Gabriel Tarde, social change and ideology. *Iranian Journal of Sociology*, 4, 54–70. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17351901.1393.15.4.3.6> [In Persian]
- Vahidi, A., Sheidaian, M., & Mirkhalili, S. M. (2021). Quranic foundations and manifestations of participatory criminal policy. *Quarterly of Criminal Law Research*, 9(34), 77–108. https://jclr.atu.ac.ir/article_12615.html [In Persian]
- Yahyaei Dizaj, J., Mohammadzadeh, Y., Hekmati, S., & Yaghoubi, F. H. (2011). The relationship between economic and social factors and social harms in selected countries: A generalized method of moments approach. *Social Welfare Research Quarterly*, 18(67), 167–183. <https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3182-fa.html> [In Persian]
- Zadmehr, Gh., Nazemi Ashni, M.H., & Hosseini, A. (2021). The role of government in ensuring citizens' welfare. *Political and International Research Quarterly*, 47(B), 273–293. https://journals.iau.ir/article_682907.html [In Persian]

